

مباحثی در زمینه ترجمه قرآن

رسول معتمدی

۱- مشکلات ترجمه قرآن کریم

آنچه مسلم است آوردن کلماتی که بتواند با قرآن حکیم هم‌آوردی کند محال است چرا که تحدی^۱ قرآن هم به معنی است و هم به لفظ. و از آنجا که تحدی قرآن همیشگی است، هرگز بشر قدرت آوردن مانند آن را ندارد. اگر بحث ترجمه قرآن می‌شود منظور این نیست که ترجمه را در مقابل قرآن قرار دهیم بلکه ترجمه تنها برای درک بهتر کلام خداست. کما اینکه قرآن برای عرب زبانها نیز باید ترجمه و تفسیر شود و در این مورد امیرالمومنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: هذا القرآن ... لا بدله من ترجمان.^۲

اگر چه ترجمه، آوردن معانی کلمات قرآن به زبان دیگر و در قالب زبان دیگر است ولی آوردن کلمات و جملاتی که گویای معانی بلند و بلیغ قرآن باشد حقیقتاً امری بسیار مشکل و دشوار است. جاحظ (متوفای ۲۲۲ ق) که یکی از ادیبان بزرگ فرقه معتزله و یکی از پیشوایان علم بیان است، کتابی در باره نظم و اسلوب قرآن نگاشت که منظور از آن اثبات این مطلب است که قرآن به سبب نظم و اسلوب و تالیف شیوا و ترکیب بدیعی معجزه است، و از آن رو در وصف بیان قرآن چنین استدلال می‌کند: و در کتاب نازل شده (آسمانی) چیزی که مآربه صدق آن دلالت می‌کند، نظم بدیع آن است که بندگان توان گفتن مثل آن را ندارند.^۳

براستی آن کمال بی‌مانند قرآن مجید و آن لطافت بیان و فصاحت و بلاغت کلام بدور از هرگونه

تصنع و تکلف، و در نهایت زیبایی و اعجاز (در لفظ و معنی) چگونه ترجمه شود؟ برای این که تنها نمونه‌ای آورده باشیم و قطره‌ای از دریای بیکران قرآن را نمایانگر باشیم، نمونه ذیل را از کتاب *بدیع القرآن* به اختصار و تصرف ذکر می‌کنیم:

ابداع آن است که هر لفظی از الفاظ کلام به تنهایی به تناسب استعداد کلام، و مفاد معنایش متضمن یک یا دو بدیع باشد به گونه‌ای که در یک بیت یا یک جمله تعدادی از انواع بدیع تحقق یابد، و کلمه‌ای از آن خالی از یک یا دو نوع بدیع یا بیشتر نباشد. برای نمونه آیه‌ای از قرآن برگزیده‌ام که در آن ۲۱ نوع از انواع بدیع بکار رفته است در حالیکه این آیه تنها ۱۷ کلمه دارد.

وقیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و استوت علی الجودی و قیل بعداً للقوم الظالمین (هود ۴۴/۱۱).

شرح انواع بدیع آن از این قرار است:

۱- مناسبت تام: میان ابلعی و اقلعی

۲- مطابقت لفظی: در دو کلمه ارض و سماء.

۳- استعاره: ابلعی و اقلعی برای ارض و سماء

۴- مجاز: یا سماء. حقیقت آن یا مطر السماء است.

۵- اشاره: غیض الماء. خداوند با این دو لفظ معانی بسیاری بیان داشته، زیرا آب فرو نمی‌رود مگر باران بایستد، و زمین آبهای جاری از چشمه‌ها را ببلعد، و در نتیجه آبهای جمع شده روی زمین کاهش یابد.

۶- ارادف: استوت علی الجودی. خداوند از استقرار کشتی بر این مکان، و نشستن آن بدون انحراف و کجی به منظور آرامش اهل کشتی، بالفظی نزدیک به حقیقت خبر داده است.

۷- تمثیل: قضی الامر. نابودی نابود شدگان و رهایی رهایی یافتگان را بالفظی بیان داشته که نسبت به لفظ ارادف تا حدی از لفظ معنای حقیقی دور است.

۸- تعلیل: از آن روی که فرو رفتن آب علت استقرار کشتی است.

۹- صحت تقسیم: و آن هنگامی است که خدای - سبحان - اقسام حالات آب را از زمان نقصان فرا پوشانیده است، زیرا حالت نقصان جز این نیست که آب آسمان حبس و چشمه‌های زمین بسته، و آب جاری بر روی آن کاهش می‌یابد.

۱۰- احتیاس: و قیل بعداً للقوم الظالمین. خداوند به واسطه این جمله از پندار کسی که می‌پندارد چه بسا هلاکت شامل کسانی شده که سزاوار هلاکت نبوده‌اند جلوگیری کرده است. خداوند نفرین بر هالکان را آورده تا دانسته شود که ایشان سزاوار هلاکت بوده‌اند.

۱۱- انفصال: نفرمود " و قیل بعداً للظالمین " بلکه لفظ القوم، را آورد تا الف و لام مبین تعریف عهد به قوم نوح در آیات قبلی (۳۷ و ۳۸) باشد.

۱۲- مساوات: لفظ آیه نه بیشتر، و نه کمتر از معنای آن است.

۱۳- حسن نسق: عطف رویدادها بایک دیگر با بهترین ترتیب و مطابق وقوع آنها: فرمان به زمین در فرو

بردن آب، عدم بارش آسمان، کاهش آب، هلاکت ظالمین و نجات مؤمنین، استقرار کشتی، نفرین بر هلاکت یافتگان.

۱۴- ائتلاف لفظ با معنی: لفظ دیگر شایستگی ندارد جایگزین الفاظ این آیه شود.

۱۵- ایجاز: کوتاهترین عبارت ... بطوری که خبری از اخبار را فرو نگذاشته است.

۱۶- تسهیم: بخش اول آیه تا اقلعی آخر آیه را می طلبد.

۱۷- تهذیب: تک تک الفاظ به صفات حسن متصف است ... و از الفاظ زشت خالی، و ترکیب الفاظ از تعقید و موجبات آن مبراست.

۱۸- حسن بیان: شنونده در معنای کلام درنگ نمی کند و چیزی بر او مشکل نمی گردد.

۱۹- تمکین: فاصله آیه با تکلف و تدبر به دست نمی آید بلکه خود می آید. (نقل از پاورقی)

۲۰- انسجام: جریان کلام به آسانی و با دلنشینی و لفظ مستحکم است.

۲۱- ابداع: در ضمن همه آیه تحقق یافته؛ هر لفظی از الفاظش از یک یا دو نوع از انواع بدیع حاصل شده است. این آیه ۱۷ کلمه است و ۲۱ نوع از انواع بلاغت را در بر گرفته است ... پس خدای رحمت کناد! عظمت این کلام را تماشا کن، و آن ظریفی که نظمش در بر دارد و لفظش فرا گرفته بین!؛ حال کدام ادیب و سخنور را توان ادعای آوردن کلامی از این سنخ توان بود چه برسد آوردن شبیه یا مانند آن.^۵

دیگر اینکه رموز و الفاظ قرآن را با توجه به ظهر و بطن آن، محکم و متشابه آن، ناسخ و منسوخ آن، اعجاز و اسلوب آن، تشبیهات و استعارات و مجازات آن، ایجاز و مساوات و اطناب آن، مثلها و قسم های آن، فصاحت و بلاغت آن، عدم اختلاف و اشتباه و تناقض آن، وجوه و نظایر آن، اسباب و کیفیت نزول آن، فواتح و خواتیم سور آن، فضایل و خواص آن، تکرارها و خطایات آن، تأویل و تنزیل آن، جری و انطباق آن، لغت و مفردات آن، چگونه توان ترجمه کرد؟ ترجمه قرآن، نسبت به ترجمه هر متن دیگر، دشواریهایی خاص دارد زیرا

اولاً، قرآن کلام خداوند است. انتخاب هر واژه یا کلمه آن بر اساس حکمتی صورت گرفته که بسیاری از آن حکمتها برای انسانها در همه اعصار قابل شناخت نیست.

ثانیاً، رسالت قرآن به گستردگی هدایت همه نسلها در همه عصرهاست: تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون للعالمین نذیراً، فرقان ۱/۲۵. و بنابراین کتابی است جاودانه و دستورالعمل و هدایتی ابدی.

ثالثاً، هدف قرآن شریفترین هدفها، یعنی رهایی انسان از ظلمت به سوی روشنایی است: کتاب انزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور، ابراهیم، ۲/۱۴.

این خصوصیتهاست که قرآن را بر هر نوشته بشری امتیاز می بخشد و ترجمه آن را در مقایسه با هر متن دیگر حساس و دشوار می نماید. چرا که ترجمه قرآن باید اتقان، جذایت، لطافت، زیبایی، تاثیرگذاری و تحول آفرینی و جاودانگی قرآن را بنمایاند.

لغات و ترکیبات مخلوق، پیوسته با گذشت زمان تغییر می‌یابد و حلاوت خود را از دست می‌دهد، اما الفاظ و ترکیبات و آهنگ آیات الهی با گذشت قرن‌ها، حلاوت و جذابیت خود را حفظ کرده است.

اصولاً قرآن کریم فرهنگ و نگرش و تعبیرات خاصی دارد و یک کلی هماهنگ بر آن حاکم است، و بدون شناخت آن فرهنگ و دریافت آن روح، ترجمه قرآن به شکل صحیح و کامل صورت نخواهد گرفت. بدین جهت مترجم قرآن باید سالها در وادی شناخت فرهنگ و دریافت روح و پیام قرآن کار کرده باشد تا از عهده ترجمه آن بطور نسبی برآید.^۱

مشکل دیگری که در ترجمه قرآن رخ می‌نمایاند مسئله هدایت قرآن و انتقال لطایف و روح و نور قرآن در ترجمه است که تقریباً امر نزدیک به محال است، زیرا سخن از کتابیست که... یهدی للتی هی اقوم (اسراء / ۹) است و عظیم است (حجر ۸۷) و حکیم است (یس / ۲) و مبین است (حجر / ۱) و مجید است (بروج / ۲۱) و کریم است (واقعه / ۷۷) و هدی للمتقین است (بقره / ۲) و هدی للناس است (بقره / ۱۸۵) و شفاء و رحمة للمؤمنین است (اسرا / ۸۲). ولا یزید الظالمین الا خساراً است (اسراء / ۸۲) و هدی الله یهدی به من یشاء است (زمر / ۲۳) و بصائر من ربکم و هدی رحمة لقوم یؤمنون است (اعراف / ۲.۳) و بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین است (۵۲ عمران / ۱۳۸) و برهان من ربکم است (نحل / ۸۹) و حمید است (فصلت / ۴۲) و بلاغ است و بینه است و حق الیقین است و ذکر الحکیم است و روح است و شفاء است و صحف مکرمه است و صحف مطهره است و صدق است و عربی است و عروة الوثقی است و عزیز است و علی است و فرقان است و کتاب الله است و کوثر است و مبارک است و مثانی است و مهمن است و موعظه است و نور است و هادی و وحی و رحمت است و بالاخره قرآن است. و ترجمه چنین کتابی به واقع امری دشوار است.^۲ ولی به هر حال و با این همه: آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید^۳

۲- آیا ترجمه قرآن کریم جایز است؟

ترجمه قرآن از دیرباز مورد بحث بوده است و مخالفین و موافقین ترجمه قرآن کتبی در این زمینه نگاهشده‌اند و یا بخشی از کتب خود را به آن اختصاص داده‌اند. همچنین مراجع و علمای مذاهب فتوایی در این مورد صادر کرده‌اند که به اختصار آنها را بررسی می‌نماییم.

الف - مخالفان ترجمه قرآن:

جاحظ (ادیب مشهور قرن سوم هجری) در کتاب *الحيوان* چنین می‌نویسد:

«کسانی که دوستدار شعرند و آن را پاس می‌دارند و به هواخواهی از آن حجت می‌آورند می‌گویند که مترجم هرگز نمی‌تواند آنچه را حکیم، بر طبق خصایص تعابیر و حقایق آراء و دقایق ایجازات

و تعاریف خود، بیان می‌کند به زبان خود برگرداند. نمی‌تواند حق سخن او را ادا کند، شرط امانت را در آن به جای آورد و به ایفای وظیفه‌ای که هر عهده‌دار وکالتی ملزم به رعایت آن است قیام کند. چگونگی این اوصاف را بیان کند و معانی آنها را برساند و از آنها بر وفق صدق و حقیقت آنها خبر دهد بی آنکه در علم به معانی آنها و استعمال الفاظ و وقوف بر برد معنایی آنها همپایه مؤلف باشد؟...

مترجم باید در آنچه ترجمه می‌کند توانا باشد و خود نیز صاحب همان دانشی باشد که مؤلف دارد. باید هم در زبانی که از آن ترجمه می‌کند و هم در زبانی که به آن ترجمه می‌کند تبحر داشته باشد، به قسمی که هر دو زبان را به یک اندازه و هم به غایت بداند. وقتی که به دو زبان سخن می‌گوید به هر دو زبان می‌رساند، زیرا هر یک از دو زبان دیگری را جذب می‌کند، از آن اخذ می‌کند و معارض آن است. چگونگی می‌تواند در عین حال در هر دو زبان به اندازه وقتی توانا باشد که تنها یک زبان می‌داند؟ آدمی بیش از یک قوه ندارد، اگر تنها به یک زبان سخن بگوید تمامی این قوه در آن صرف می‌شود. بر این قیاس اگر مترجم به بیش از دو زبان سخن بگوید ترجمه او به تناسب آن بیشتر زیان می‌بیند. هر چه علمی دشوارتر باشد و دانایان به آن کمتر باشند، به همان اندازه کار بر مترجم آن علم دشوارتر است و به همان اندازه مترجم بیشتر در معرض خطا می‌افتد. هرگز نمی‌توان مترجمی یافت که همسنگ یکی از دانایان باشد.

آنچه گفتیم در صورتی است که موضوع ترجمه کتابهای هندسه و نجوم و حساب و موسیقی باشد. حال قیاس کنید که وضع به چه منوال خواهد بود اگر موضوع ترجمه کتابهای دینی باشد که در آنها سخن از خدای عز و جل است و اینکه چه سخنانی در حق او رواست و چه سخنانی روا نیست... مترجم باید بداند... مثل چیست، و بدیع چیست و اشاره کدام است و کنایه کدام، و تفاوت میان اطناب و مساوات و ایجاز چیست...

...خلاصه اینهاست اندکی از امور بسیاری که هر گاه مترجم نداند در معنی سخن به راه خطا می‌افتد و خطا در دین به مراتب زیانبارتر از خطا در ریاضیات و صناعت و فلسفه و شیمی و... است."

از کلام جا حظه می‌توان دریافت که در آن زمان (قرن سوم هجری) مسأله ترجمه قرآن به زبانهای دیگر به ویژه به فارسی مطرح بوده است و جا حظه با اطلاع و درک عمیقی که از قرآن داشته با ترجمه آن موافق نبوده است. به همین سبب است که فراوان می‌بینیم که اوصاف زبان و سبک قرآن را بر می‌شمرد تا نشان دهد که ترجمه قرآن به زبانی دیگر تا چه پایه دشوار بلکه محال است.

از سوی دیگر مسلمانان ملل مختلف از جمله ایرانیان، ترکان، هندیان، یونانیان، سریانیان همیشه می‌خواسته‌اند احکام و تعالیم دین را به زبانهای مادری یا ملی خود بیان کنند. شاید هیأتی که معتزلیان (جا حظه خود از معتزله بود) پیاپی نزد ملل دیگر گسیل می‌کردند به این مسأله دامن میزد که

چگونه باید اسلام را در میان مردمانی که زبان مادریشان عربی نیست و حتی یک کلمه از زبان عربی نمی‌دانند تبلیغ کرد. و این نوگرویدگان چگونه می‌توانند تکالیف مذهبی خود را به جای آورند یا نماز پنجگانه روزانه خود را به پای دارند بی آنکه از لحاظ زبان وسیله‌ای داشته باشند که این کارها را برایشان آسان کند. بنابراین می‌بینیم که مسأله بسیار جدی بود و می‌بایست هر چه زودتر راه حلی برای آن یافت.

در میان علمای معاصر اهل سنت عده‌ای با ترجمه قرآن مخالفت ورزیده‌اند. از جمله: شیخ احمد فهمی محمد که منظومه‌ای به نام *آیه‌النتظیم، تدافع عن القرآن الکریم* در مخالفت با ترجمه قرآن سروده است؛ ادیب محمد هیهاوی در کتاب *ترجمه القرآن الکریم، غرض للسیاسه وفتنة فی الدین*. محمد مصطفی الشاطر در کتاب *القول السدید فی حکم ترجمه القرآن المجید* شیخ عبداللطیف السبک عضو مجلس اعلای شئون اسلامی مصر، در کتاب *فی ریاض القرآن* ترجمه قرآن را غیرممکن و حرام می‌شمارد. شیخ محمد سلیمان نایب دادگاه شرع در مصر علیا، در کتاب *حدیث الاحداث فی الاسلام*. حسن الشربینلالی در کتاب *التفخة القرسیة*. محمد رشید رضا^{۱۱} در *تفسیر المنار* و کتاب *وحی محمدی* که ماحصل کلام وی چنین است:

ترجمه‌ها از رساندن معانی که باید عبارات عالی و سبک معجزه آسای آن مفهوم شود عاجزند زیرا این ترجمه فقط چیزهایی را که مترجم قرآن فهمیده می‌رساند و ثابت و محقق شده است که بعضی از مترجمین تحریفهایی کرده‌اند.^{۱۱} خیلی کم اتفاق می‌افتد که درست قرآن را فهمیده باشند و می‌توان گفت در تمام این مترجمین دو نقص وجود دارد که اولی فهمیدن آن بطور لازم و دومی قصورشان در لغت است... به همین جهت از کارهای بی‌بهره و کوششهای بی نتیجه است که انسان در صدد باشد تاثیر زیبا و فوق العاده این نثر بی‌مانند را (که مانند آن شنیده نشده) به زبان دیگری ادا کند.^{۱۲}

علاوه بر کسانی که کتاب مستقل در مخالفت با ترجمه قرآن نوشته‌اند عده‌ای نیز بخشی از کتب خود را به این امر اختصاص داده‌اند.^{۱۳} اینان عموماً^{۱۴} تنها با ترجمه تفسیری از قرآن موافق هستند. زرقانی در کتاب *مناهل العرفان* چنین نقل می‌نماید:

شافعی^{۱۵} در (المجموع - ج ۳ ص ۳۷۹) می‌گوید: در مذهب ما قرائت قرآن به غیر زبان عربی جایز نیست، چه قادر به تکلم باشد یا نباشد و چه در نماز باشد یا در غیر نماز. و اگر در نماز ترجمه قرآن را بخواند نمازش صحیح نیست. و زرکشی در (البحر المحیط)^{۱۶} می‌گوید: ترجمه قرآن به فارسی و زبانهای دیگر جایز نیست بلکه باید به همان زبانی که اعجاز به آن تعلق دارد خوانده شود و ترجمه از این اعجاز قاصر است.. خداوند فرموده (بلسان عربی مبین - شعراء / ۱۵۹)... و قَال^{۱۷} در فتاوی خود گفته است: به نظر من هیچ کس قادر نیست قرآن را به فارسی

در آورد. و چون به او گفته شد که: در این صورت هیچ کس قادر به تفسیر آن هم نیست، پاسخ داد: چنین نیست، زیرا در تفسیر قسمتی از مراد خداوند آورده می شود اما اگر ترجمه شود آوردن تمام مراد خداوند ممکن نیست.

ب- قائلین به جواز ترجمه قرآن:

در مقابل گروه اول عده‌ای به جواز ترجمه قرآن رای داده‌اند.^{۱۸} از جمله در عهد سلطنت منصور بن نوح سامانی (۳۵۰، ۳۶۵ ق.) به فتوای علمای وقت تفسیر طبری به فارسی برگردانده شد. در دوره معاصر قهرمان این نظریه شیخ محمد مصطفی المراغی،^{۱۹} شیخ الازهر وقاضی القضاة مصر و سودان بوده است. وی در سال ۱۳۵۱ هجری قمری بحث کامل و جالبی در مورد حکم ترجمه قرآن به زبانهای غیر عربی صادر نمود و به خواندن ترجمه قرآن در نماز فتوا داد.^{۲۰} و در سال ۱۳۵۵ ق به بحث خود نظرات بزرگان مذاهب حنبلی و شافعی و مالکی را اضافه نمود و مجله الازهر (صفر سال ۱۳۵۵ ق) آن را منتشر نمود.^{۲۱} به دنبال آن استاد محمد فرید وجدی، مدیر مجله الازهر، کتابی تحت عنوان الادلّة العلمیة فی جواز ترجمه القرآن الی اللغات الاجنبیة در تأیید نظر شیخ مصطفی مراغی نگاشت.

مطلبی که در اینجا باید ذکر شود این است که با توجه به این که اسلام دینی است زمان شمول و مکان شمول یعنی در همه عصرها و برای همه نسلها و در همه مکانها قابل اجرا می باشد^{۲۲} لذا آشنایی با کلام خدا از ضروریات است و مخالفت با ترجمه قرآن (هر چند در بین اهل سنت در کشورهای عربی هنوز طرفدارانی دارد) ابدأً منطقی و صحیح نبوده و البته ترجمه قرآن خود قرآن نیست و تنها برای تقریب معانی به ذهن و برای کمک به فهم کلام خداست به ویژه برای فارسی زبانها که با متن قرآن آشنا هستند و ترجمه جهت کمک به تدبیر در آیات می باشد و اصولاً دلایلی که مخالفان ترجمه قرآن می آورند دلایلی صحیح و منطقی نیست و همه جواب دارد از جمله:

۱- با ترجمه قرآن، زبان عربی که از عوامل اتحاد و همبستگی و ارتباط میان مسلمین است از

بین می رود.

۲- معانی و مفاهیم قرآن در عین غموض و پیچیدگی، عمیق و گسترده است و غیر قابل ترجمه

می باشد.

۳- ترجمه نمی تواند جنبه های اعجاز لفظی و معنوی قرآن را بیان کند.

۴- ترجمه نمی تواند مانند تعابیر قرآن اعجاز آمیز باشد.

۵- ترجمه قرآن نوعی تجری و جسارت است.

و...^{۲۳} که همه اینها جواب داده شده و ترجمه قرآن به زبان های دیگر از باب وجوب ترجمان و

تفسیر برای قرآن و فهم آیات الهی می باشد.

شیعه و ترجمه قرآن

در طول تاریخ پر افتخار تشیع هیچ فقیهی در مورد حرمت ترجمه قرآن فتوا صادر ننموده است همچنانکه هیچ فقیهی خواندن قرآن را به زبان غیر عربی در نماز جایز ندانسته است^{۲۴} و فقهای شیعه احکامی را که بر متن قرآن جاری است در ترجمه آن واجب نمی دانند (مانند حرمت مس آن بدون طهارت^{۲۵} و جوب سکوت در موقع استماع آن و غیره) لذا آنان ترجمه قرآن را، قرآن نمی دانند و آن را تنها کمکی برای فهم بهتر آیات می دانند.

در بین علمای شیعه تنها شیخ آقا بزرگ تهرانی تا حدی سخت گیری نموده است هر چند ایشان نیز قائل به رعایت شرایط ترجمه و جواز ترجمه هستند. مطالبی را که ایشان در کتاب الذریعه آورده اند ترجمه نموده می آوریم:

... از آنجا که قرآن شریف مشتمل بر مطالبی است که ظاهر و باطن آن را کسی نمی داند بجز خدای تعالی یا کسی که خداوند به او علم کتاب را اعطاء کرده است، مانند سایر کتبی که بشر آنها را تالیف کرده است امکان نقل آن به سایر زبانها وجود ندارد، پس به کدامین کلام فواتح سور ترجمه گردد؟ و به چه چیز متشابهاتی که لازمه عمل به ظواهر آن خلاف واقع و مقصود است ترجمه شود؟ و در مواردی که اختلاف اعراب یا ماده معنی دیگری می دهد به کدام یک از قراءات ترجمه شود؟ و چگونه مزایای کلام عربی و لطایف آن در ترجمه حفظ گردد؟ و کدامین زبان در بردارنده، بدایع ادبی و جهات بلاغی است که بتواند معادل قرآن واقع شود و ترجمه آن محسوب گردد؟

البته، ترجمه ظواهر آیات احکام و اخلاق و قصه ها و امثال قرآن بزبان دیگر امکان دارد هر چند بواسطه ترجمه همه مزایایی که جن و انس از آوردن یک آیه مانند آن عاجزند از میان می رود و با وجود این نزد اهل خبره این ترجمه لباس دومی برای معانی الفاظ الهی محسوب می شود لذا شایسته است که در ترجمه جمیع شئون و احترامات عرفی که در اصل آن وجود دارد رعایت شود و از هتک و توهین به آن احتراز شود. البته سایر احکامی که در شرع مقدس برای متن قرآن واجب است در ترجمه نیست اگر چه آن ترجمه حرف به حرف با متن قرآن مطابقت نماید مانند حرمت مس آن بدون طهارت و حرمت نجس شدن آن و جوب ازاله نجاست از آن و جوب خواندن آن در نماز و جوب سکوت موقع شنیدن آن، چه اینها مخصص به متن عربی قرآن است... و قرآن به بسیاری از زبانها ترجمه شده است.^{۲۶}

۳- مقدمات، شرایط و کیفیت ترجمه قرآن کریم

ترجمه قرآن تنها برای فهم معانی لفوی آیات برای آنان که به زبان عربی آشنا یا مسلط نیستند صورت می گیرد و کاری بس دشوار است که باید به دقت و با توجه به مقدمات و شرایط خاص آن انجام شود. ما بطور اختصار این شرایط را ذکر می کنیم:

۱) تسلط به زبان مبدأ و مقصد

مترجم باید به هر دو زبان متن و ترجمه آشنائی دیرین و ژرف داشته و کاملاً مسلط باشد. نسبت به نکات و دقایق هر دو زبان دانا بوده و از اسلوب‌ها و خصایص هر دو زبان آگاه باشد. در ترجمه قرآن وجوه اعراب آیات را در نظر گرفته و به بهترین وجه ترجمه نماید زیرا گاه از اعراب مختلف، معانی متفاوتی منتزع می‌گردد.

۲) مفردات

در آوردن معادل برای هر واژه دقت کافی انجام شود و معانی حقیقی کلمات با توجه به ریشه آن استخراج و با آگاهی از وجوه و نظایر لغات بهترین معنا انتخاب گردد و از به کار گرفتن لغات نامأنوس پرهیز شود. در ترجمه از آنجا که مترادف واقعی و صد درصد وجود ندارد بلکه تقارن در مفهوم کلی آنهاست باید مناسب ترین کلمه از میان لغات مترادف و متشابه انتخاب شود و علاوه بر آن با توجه به اختلاف کلمات در ماده و ریشه هر لغت و اینکه در صیغه‌های مختلف معانی متفاوت دارد باید هر کلمه در معنی حقیقی خود و با توجه به صیغه خاص آن کلمه ترجمه شود.

۳) رعایت فصاحت و بلاغت

اطلاع دقیق و صاحب نظر بودن در مسایل بلاغت و فصاحت به طوری که از لطایف و ظرایف معانی، بیان و بدیع قرآن به نحو احسن استفاده نماید و بتواند این لطایف را با اسلوب زبان مقصد تطبیق داده و ترجمه نماید. در ترجمه قرآن باید قوانین و لطایف فصاحت و بلاغت که در حد اعجاز در قرآن وجود دارد در نظر گرفته شود. از آنجا که تغییر در ساختار جمله گاهی سبب تغییر در مفهوم و معنی جمله می‌گردد لذا تقدیم و تاخر حساب شده در آیات باید مورد توجه قرار گیرد. به طور مثال اگر در آیه **ایاک** **نعبد** و **ایاک** نستعین مفعول بر فعل و فاعل مقدم شده منظوری در کار بوده است.

۴) قدرت نگارش

مترجم باید استعداد نویسندگی داشته باشد و غیر از ترجمه خود صاحب اثر باشد نه این که چون نمی‌تواند بنویسد، ترجمه نماید.

مترجم باید دارای انشای ادیبانه، سلیس، روان، روشن و رسا باشد و ترجمه‌ای قابل فهم و درک همگان ارائه نماید همچنین از دقت و هوش و ذوق سلیم و ظرافت و صبر و حوصله و مهارت و تجربه کافی برخوردار باشد و نسبت به اصول و مبانی ترجمه تبحر داشته باشد. همچنین باید ترجمه کامل، صحیح و مستغنی از متن اصلی باشد و بدون نیاز رجوع به متن اصلی کاملاً رسا باشد و محتوای متن اصلی را بطور کامل در برداشته باشد و هیچ بخشی از آن از میان نرود و جمیع معانی و مقاصد متن ترجمه گردد.

۵) امانت در ترجمه

رعایت تقوی و تقید به متن مورد ترجمه و به اصطلاح حفظ و رعایت امانت در ترجمه، رعایت این اصل در همه ترجمه‌ها لازم است و در ترجمه کلام خداوند واجب. خداوند در مورد حبیب خود نبی

اکرم (ص) می فرماید: لو تقول علينا بعض الاقاويل لاخذنا منه باليمين ثم لقطعنا منه الوتين. (الحاقه ۶) طبیعی است که سایر آحاد بشر به طریق اولی باید رعایت کلام الهی را بنمایند و در ترجمه قرآن امانت در ترجمه کاملاً رعایت گردد. همچنین سبک متن مورد ترجمه نیز باید تا حد ممکن رعایت شود.

۶) مراجعه پیوسته به منابع

در ترجمه باید از تکیه به ذهنیات خود داری کرد و به علم اجمالی نسبت به واژه ها بسنده نمود بلکه باید پیوسته به منابع و مآخذ رجوع شود. این امر در ترجمه لزوم بیشتری دارد و نباید از مراجعه به تفاسیر غفلت شود.

۷) ایجاز

اطاله کلام در سخن و نوشتار موجب ملالت است لذا در ترجمه باید از اطاله کلام خود داری شود.

محمد بن عمر الرادویانی از علمای قرن پنجم می گوید: بهترین ترجمه آن است که معنی را تمام کند با لفظی موجز و بلیغ.^{۲۷}

۸) توضیحات

توضیحاتی که مترجم معمولاً برای روشن تر شدن معانی واژه ها و عبارتها در متن ترجمه بین هلالین می آورد نباید آن چنان زیاد باشد که از حد ترجمه خارج شود و یافتن ترجمه از شرح کاری دشوار گردد.^{۲۸}

۹) اصطلاحات

معانی و مفاهیم اصلی کلمه نباید با اصطلاحات جدید و تخصصی خلط گردد. مثلاً در ترجمه کلمه "حکمت" که در قرآن آمده است نباید اصطلاح رایج "حکمت" به معنی "فلسفه" مورد استفاده قرار گیرد.

۱۰) نظم و بهم پیوستگی

در ترجمه قرآن باید نظم و پیوستگی آیات رعایت گردد و نباید معانی و مفاهیم عالی آیات را با افکار بشری تطبیق داد و معارف و حقایق متعالی قرآن را در حد فهم و فکر بشری تنزل داد بلکه باید با استفاده از منابع مهم تفسیر تا حد توان در ارائه ترجمه ای گویا تلاش نمود.

۱۱) آگاهی به موضوع

در ترجمه هر متنی علاوه بر احراز کلیه شرایط ترجمه باید به موضوع مورد ترجمه کاملاً آگاهی و تسلط وجود داشته باشد. در ترجمه قرآن کریم مترجم باید از علوم مربوط به قرآن که قطعاً در فهم و ترجمه آیات دخالت تام دارد آگاهی کامل داشته باشد. همچنین از روایات معتبر در ذیل آیات مدد جوید و از تاریخ و سنن الهی اطلاع کافی داشته باشد تا مسایل تاریخی قرآن را به خوبی درک نماید.

۱۲) تقلید به احکام و آداب و اتکاء به عنایت الهی

مترجم باید به اخلاق و آداب و احکام الهی پایبند بوده و به لطف و عنایت الهی امیدوار باشد.

در ترجمه قرآن آنچه بیش از همه مورد نظر است استفاده و انتقال روح و نور و لطایف قرآن است و مترجم اگر بارقه ای از توجه و توفیق خداوند را کسب نماید می تواند ترجمه ای خداپسندانه ارائه نماید.

یادداشتها

- ۱- تحدی به معنای همآورد طلبی و مبارزه طلبی بوده و قرآن کریم ابتدا از مخالفین می خواهد مانند قرآن را بیاورند (تصص ۴۹ و ۵۰ و اسراء ۸۸) سپس درخواست آوردن ده سوره مانند قرآن می نماید (هود ۱۳-۱۴) و پس از آن از این هم نزول کرده و درخواست آوردن فقط یک سوره می نماید (بقره ۲۳-۲۴).
- ۲- **نوح البلاغه** یا ترجمه فیض الاسلام خطبه ۱۲۵.
- ۳- **الحيوان**، ج ۴ ص ۹۰.
- ۴- **بدیع القرآن**، ابن ابی الاصبیح ترجمه دکتر سید علی میر لوحی صفحات ۳۸۱-۳۸۴ با اختصار و تغییر بعضی عبارات.
- ۵- پیکتال (مترجم انگلیسی قرآن) از سبک قرآن به سففونی غیر قابل تقلید تعبیر نموده است.
- ۶- کیهان اندیشه شماره ۲۸ بهمین و اسفند ۶۸ مقاله نقد ترجمه های معروف قرآن آقای دکتر سید عبدالوهاب طالقانی.
- ۷- توشیهیو ایزوتسو در کتاب **ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی و دینی در قرآن**، ص ۹ می نویسد: آیات ترجمه شده قرآن حتی در بهترین صورتشان چیزی جز معادلهای جزئی نیستند و از آنها فقط می توان به عنوان رهنمودهای ساخته و پرداخته ای در برداشتن گامهای لرزان نخستین استفاده کرد...
- ۸- **مثنوی**، مولوی
- ۹- برگرفته از مقاله استاد عبدالرحمن بدوی ترجمه اسماعیل سعادت مجله نشر دانش سال ۳ شماره ۳
- ۱۰- از دانشمندان معاصر و مصر و از شاگردان شیخ محمد عبده، وی **تفسیر المنار** را که عبده تا آیه ۱۲۶ نساء نوشته بود تا آیه ۱۰۱ سوره یوسف ادامه داد. همچنین مجله المنار نیز از او به یادگار مانده است.
- ۱۱- مقصود وی مترجمین غربی و غیرمسلمان است.
- ۱۲- **وحی محمدی** ترجمه محمد علی خلیلی ص ۱۱-۱۴.
- ۱۳- از جمله: **التفسیر و المفسرون** الذهبی ج ۱، ص ۲۲-۳۰، **مناهل العرفان فی علوم القرآن** الزرقانی ج ۲ ص ۱۱۶-۱۸۷، **مباحث فی علوم القرآن** مناع خلیل الطنان، رئیس دیوان عالی قضایی در ریاض، المعجزة الکبری محمد ابوزهره ص ۶۹۱-۶۹۵، **الموافقات الشاطبی**، از بزرگان مذهب مالکی ج ۲ ص ۴۴، **مبحث منع ترجمه القرآن**، الجام العوام امام محمد غزالی ج ۱ ص ۱۴-۱۹، **المعارف** ابن قتیبه.
- ۱۴- ج ۲ ص ۱۷۳ و ۱۸۶.
- ۱۵- ابوعبدالله محمد بن ادریس که با ۷ واسطه به هاشم بن عبدالمطلب می رسد. متولد ۱۵۵ در غزه فلسطین و متوفای ۲۰۴ ق در قاهره
- ۱۶- **البحر المحيط فی الاصول**، بدرالدین محمد بن عبدا... الزرکشی الشافعی متوفای ۷۹۴
- ۱۷- از فقهاء و بزرگان مذهب شافعی
- ۱۸- از جمله جلال الدین سیوطی - شافعی مذهب - در کتاب **الاتقان فی علوم القرآن**.
- ۱۹- متولد ۱۲۸۹ ق در صعید و متوفای رمضان ۱۳۶۴ ق در اسکندریه و در قاهره دفن شده. وی از شاگردان شیخ محمد عبده بود.

۲۰- علی رغم این نظر عده‌ای از علمای حنفی نیز با خواندن ترجمه قرآن در نماز مخالفتند. در زمانی که مرحوم مصطفی مراغی این فتو را صادر نمود مخالفت علمای دیگر آغاز شد و سلطان عبدالحمید دوم ترجمه قرآن را به زبان ترکی مطلقاً ممنوع کرد. ولی پس از سقوط عثمانی و تجزیه آن و ایجاد کشور ترکیه، ترجمه‌ها آغاز گردید و حتی به دستور آتاتورک اذان به ترکی گفته شد که بعداً در اثر مخالفت متروک شد.

۲۱- مجموعه نظرات مراغی در کتاب *بحث فی ترجمه القرآن و احکامها* توسط دکتر صلاح الدین المنجد جمع آوری و به چاپ رسیده است.

۲۲- وما ارسلناک الا کافة للناس (سبا / ۲۷) تبارک الذی الفرقان علی عبده لیكون للمالین نذیرا (فرقان / ۱) و اوحی الی هذا القرآن لا نذرمک به و من بلغ (انعام / ۱۹) و آیات و شواهد زیاد دیگری که لزوم ذکر آن نیست.

۲۳- ر.ک. به: سه مقاله در تاریخ تفسیر و نحو، دکتر سید محمد باقر حجتی

۲۴- در بین مذاهب اربعه اهل سنت، تنها ابوحنیفه (۸۰-۱۵۰ ق) در برهه‌ای از اجتهاد خود به جواز خواندن ترجمه قرآن در نماز فتوی داد. ر.ک. به: *المبسوط للامام السرخسی* ج ۱ ص ۳۷ بدائع الصنائع، علاءالدین الکاسانی ج ۱ ص ۱۱۲.

۲۵- در بین مذاهب اربعه اهل سنت تنها حنفی ها مس ترجمه قرآن را نیز حرام می‌دانند (ر.ک. *الفقه علی مذاهب الخمسه* - ص ۳۴).

۲۶- *الدریعه الی تصانیف الشیعه* ج ۴ ص ۱۲۴ (چاپ دارالاضواء - بیروت).

۲۷- *ترجمة البلاغة، فضل فی الترجمة* ص ۱۱۵ به تصحیح احمد آتش و با تقد ملک الشعراى بهار

۲۸- به طور مثال ترجمه قرآن مرحوم فیض الاسلام ملاحظه شود.